با چه كسى ازدواج كنيم ؟

نام نويسنده : اسدالله داستانى بنيسى

## مسئله ازداوج و انتخاب همسر

بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله ازدواج و انتخاب همسر براى پسران و دختران جوان (مردان و زنان) از مهمترين مسائل حياتى است .

پيوند زناشوئى در زندگى انسانها نقطه عطفى است كه ممكن است صدها پيروزى و كاميابى و يا شكست و ناكامى در پى داشته باشد.

اين است كه با اطمينان خاطر مى توان گفت : يك ازدواج خوب و شايسته مى تواند مايه آسايش جسم و آرامش روان گردد و اساس سعادت و بهروزى پسران و دختران (مردان و زنان) را بنيان نهد و موجبات خوشبختى و شادكامى آنان را تا پايان زندگى فراهم آورد.

همچنين يك ازدواج بد و نامتناسب ممكن است براى زن و شوهر منشاء بزرگترين نگرانى و ناراحتى ها گردد و پیامد بدبختى و تيره روزى آنان را پايه گذارى كند و آنان را در سراسر عمر و زندگيشان به خاك سياه نشانده و مايه سختترين شكنجه هاى روحى و جسمى آنان گردد...

اين است كه علماى اخلاق و جامعه شناسان و دانشمندان و متفكران و اديبان جهان اين مسئله را از اهم مسائل زندگى به شمار آورده و درباره اهميت آن مطالب زيادى گفته اند كه چكيده گفته هايشان اين است كه ...

«مسئله ازدواج و زناشوئى در رديف نظم ها و امورى قرار دارد كه آفريدگار جهان اساس آن را بنا نهاده است و هيچ امرى در زندگى انسان ها نمى تواند به اندازه ازدواج ، بهروزى و خوشبختى و يا تيره روزى و بدبختى به بار آورد، پس براى هيچ چيز در زندگى نبايد بيشتر از مسئله ازدواج اهميت قائل شد و هر كسى بايد در زندگى به اين مسئله بزرگ اهميت داده و روح و قلب خود را براى تنظيم آن آماده سازد».(٢).

«يعنى ما همه چيز را جفت و زوج خلق كرديم اميد است شما از اين خلقت ما ذكر و پند گيريد».

پس از مضمون اين آيه به خوبى روشن است كه قانون نر و مادگى در تمام موجودات بدون استثناء جارى است .

امروز انسانها با پيشرفت علم طبيعت پس از فرو رفتن در درون اشياء و شكافتن ذرات و پى بردن به وجود (اتم) دانستند كه اتم ها نيز از (الكترون) و (پروتون) تشكيل يافته اند كه الكترونها (بار) منفى و پروتونها (بار) مثبت اتم را به وجود مى آورند و آن دو نيز نسبت به هم نر و ماده اند.

در آيه ديگر قرآن درباره نر و ماده بودن نباتات اين چنين مى خوانيم :

سبحان الذى خلق الاءزواج كلها مما تنبت الاءرض و من انفسهم و مما لا يعلمون (٤)

با توجه به آيه فوق لطف خداوندى را به خوبى درك مى كنيم كه خداوند به اضافه اينكه جفت انسان را از جنس خود او آفريده و براى بهتر زندگى كردن آنها مهر و محبت يكديگر را نيز در دل يكديگر انداخته است .

در آيه ديگر پس از دستور عقد و ازدواج به انسانها در مقابل عمل ازدواجشان بى نياز و مستغنى نمودن آنها را هم به عهده خود گرفته و مى فرمايد:

«شما ازدواج كنيد، و زنان و مردان بى همسر را همسر دهيد و همچنين غلامان و كنيزان صالح خود را به ازدواج يكديگر در آوريد و از فقر و تنگدستى نترسيد كه خداوند ازدواج كنندگان را با لطف و فضلش غنى و بى نياز مى گرداند، خداوند به هر چيز وسعت دهد و بر همه چيز عالم و داناست ».(٦)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«ازدواج كردن سنت من است ، هر كس از اين سنت من بيزار و روگردان شود از من نيست ».(٨)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«هركس فطرت و شريعت مرا دوست دارد، پس بايد به سنتهاى من عمل كند، و از سنتهاى من است نكاح كردن و ازدواج نمودن ».(١٠)

از اميرالمؤ منين على عليه‌السلام ، آن حضرت فرمود:

«ازدواج كنيد، كه هر آينه ازدواج كردن سنت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلماست و آن حضرت مى فرمود: ازدواج كردن از سنتهاى من است هر كه بخواهد از سنتهاى من پيروى كند بايد ازدواج كند».(١٢)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«هر كس ازدواج كند و يا زنان و مردان بى همسر را (از راه شرعى) به ازدواج هم درآورد، مستحق ولايت و دوستى خداست (يعنى خداوند او را دوست مى دارد».(١٤)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، حضرت فرمود:

«ازدواج كنيد، و زنان و مردان بى همسر را همسر دهيد، به تحقيق كه خداوند به وسيله ازدواج ، اخلاق آنها را نيكو و روزى آنها را زياد و وسيع و مروت و خوبى آنها را بيشتر مى گرداند.(١٦)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«هر كس ازدواج كند نيمى از سعادت را دريافته است ».(١٨)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«هر كس به منظور نگهدارى عفتش زن بگيرد بر خدا لازم است كه بر او كمك نمايد».(٢٠)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«ازدواج كردن ، عفت و چشم و فرج را بهتر نگه مى دارد و از هر وسيله ديگر براى پاكدامنى انسان نافذتر و شرافتمندانه تر است ».(٢٢)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«ازدواج كنيد كه من بر زيادى شما روز قيامت به ساير امتها مباهات مى كنم حتى با آنهائى كه از شما سقط شده اند، آنها را تا به درب بهشت مى آورند و مى گويند: وارد بهشت شويد كه جاى تو اينجاست ، مى گويد: من داخل بهشت نمى شوم تا پدر و مادرم قبل از من وارد شود».(٢٤)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«هر زن و مرد مؤ منى كه با يكديگر ازدواج كنند فرشته اى در آسمان عقد آنها را چنين اعلام مى كند: هان (اى فرشتگان بدانيد) خداوند فلان زن را به فلان مرد تزويج كرد».(٢٦)

از امام رضا عليه‌السلام ، آن حضرت فرمود:

«اگر از طرف خدا و رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمدرباره ازدواج دستورى صادر نشده بود، همان فوائد اجتماعى كه خدا در آن قرار داده از قبيل نيكى با خويشان و پيوند با بيگانگان ، كافى بود، عقلاء به اين كار رغبت نموده و عمل نمايند».(٢٨)

خداوند وسعت دهد روزى هر كه را بخواهد و اندازه مى دهد روزى هر كه را بخواهد.

در آيه ديگر مى خوانيم :

و الله فضل بعضكم على بعض فى الرزق ...(٣٠)

## با چه کسي ازدواج کنيم؟

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«زن بگيريد تا روزى شما به وسيله او زياد گردد».(٣٢)

از امام صادق عليه‌السلام ، آن حضرت فرمود:

«هر كس از ترس فقر زن نگيرد به خدا سوء ظن برده و گمان بد كرده است ».(٣٤)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«جوان انصارى خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمآمد و از فقر و ندارى شكايت كرد، حضرت به او فرمود:برو زن بگير.

جوان گفت : من حياء مى كنم دوباره به عنوان اظهار حاجت به پيغمبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلممراجعه كنم .

يكى از انصار وى را ملاقات كرده و گفت : من دختر بالغى دارم مى خواهى او را بگيرى ؟ جوان با او ازدواج كرد و خداوند روزى او را توسعه داد و روزى جوان خدمت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمرسيد و قضيه را بر آن حضرت تعريف كرد.

حضرت فرمود: «جوانان زن بگيريد».(٣٦)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«روزى را به وسيله زن گرفتن تحصيل كنيد و به دست آوريد».(٣٨)

به كلامى از امام صادق عليه‌السلام ، (خوب توجه كنيد)

«اسحاق بن عمار گويد: به حضرت صادق عليه‌السلام عرض كردم : مردم مى گويند: شخصى خدمت رسول گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمآمد و از تنگدستى و فقر به آن حضرت شكايت كرد، حضرت فرمود:زن بگير، مرتبه دوم شكايت كرد باز حضرت فرمود:

زن بگير، تا اينكه سه بار اين كار انجام شد، آيا اين حديث صحيح است ؟

حضرت فرمود:آرى صحيح است ، رزق و روزى با زن و فرزند همراه است ».(٤٠)

در تاريخ نمونه هاى زيادى در اين مورد ديده شده است .

زن و شوهر لباس همديگرند

خداوند تبارك و تعالى در (قرآن) زنان را لباس مردان و مردان را لباس زنان معرفى كرده و مى فرمايد:

هن لباس لكم و انتم لباس لهن ...

آنان (زنان) لباس شما هستند و شما (مردان) لباس آنان هستيد، هر دو زينت همديگر و باعث محجوب ماندن يكديگر!

مى دانيد كه لباس به معنى : جامعه - پوشاك - تن پوش را گويند و در ظاهر زينت و زيبائى انسان به وسيله لباس ظاهرى است خداى تعالى هم با اين تشبيه زيبا و ساده خواسته مردمان را به امر ازدواج متوجه سازد و زن و مرد يا به تعبير ديگر (زن و شوهر) را به منزله لباس همديگر معرفى فرموده است كه در حقيقت اگر ما دقت كنيم مى بينيم چنانكه لباس براى پوشش و آرامش ‍ و حفظ و زيبائى بدن محسوب مى شود همانطور همسران هم مانند لباس ‍ عيوب همديگر را پوشانده و آرامش همديگر را حفظ مى نمايند و به اضافه آن مايه زينت و زيبائى همديگر نيز هستند.

همچنان لباس چنانكه آدمى را از سرما و گرما نگه مى دارد و از مرضهاى زياد مصون مى دارد و زن و شوهر هم نسبت به همديگر چنان هستند. آنان با اشباع غريزه شهوت كه خود مايه عفت است به اين معنى وقتى آدمى زوج و زوجه داشته باشد مى تواند عفت خود را حفظ كند و در جامعه و خارج از منزل به سوى فتنه و فساد نرود:

زن و مرد هر دو لباس یکدیگرند چون لباسند و به عفت نگرند همچو تن پوش بوند، سوى گناه نروند، چهره هم مى نگرند در تفسير (منهاج الصادقين) در ذيل اين آيه شريفه آمده است كه روزى زنى به نام (خولاء) به خانه تشريف نداشتند، او پيش (عايشه) نشست و درد دل خود را شروع كرد و گفت : از آن روزى كه من شوهر كرده ام هر شب خود را مثل شب اول زينت كرده و عطر مى زنم و به بستر شوهرم مى روم ولى او از من روى بر مى گرداند ولى من از براى رضاى خدا از او روى بر نمى گردانم و بر بى توجهى او تحمل مى كنم ، آمدم از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمبپرسم آيا از اين جهت من در پيشگاه خداوند اجر و مزدى دارم ؟!

عايشه گفت : صبر كن رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمبيايد، آنقدر نگذشت كه آن حضرت تشريف آورد، خولاء قصه خود را به آن حضرت معروض داشت ، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمبر آن زن فرمود: آيا منقاد و فرمانبردار او هستى ؟

خولاء جواب داد: بلى يا رسول الله ، آيا مرا مزدى باشد؟!

حضرت فرمود:

هر آن زن كه در خانه شوهر به نوعى سلوك كند كه موجب صلاح شوهر باشد حق تعالى آن را چندين حسنه مى نويسد و سيئه محو مى كند و درجات او را بالا مى برد، و هر آن زن كه از شوهر خود حامله باشد او را مزد زيادى خواهد داد، مزد او مثل كسى خواهد بود كه تمامى عمر (قائم الليل و صائم النهار) باشد و هر يك بار كه كودك را شير دهد چنان باشد كه بنده اى را آزاد كرده است ، چون كودكش را از شير باز گيرد منادى از آسمان ندا مى زند كه گناهان گذشته تو آمرزيده شد.

عايشه هم كه در آنجا حاضر بود، گفت : يا رسول الله ، زنان را كه اين همه ثواب است مردان را چيست ؟

حضرت تبسمى كرد و فرمود:

هر مردى كه براى مراوده دست زن خود را بگيرد، حق تعالى او را حسنه كرامت فرمايد و اگر دست در گردنش كند ده حسنه بر او مى نويسد، اگر او را ببوسد بيست حسنه بر وى ضبط شود، اگر با وى نزديكى كند چندان ثوابش ‍ دهند كه از همه دنيا بيشتر بود و چون غسل كند به هر موئى كه آب از وى مى گذرد سيئه محو مى شود و درجه بالا مى رود و ثوابى كه براى غسل او مى دهند بهتر است از همه دنيا و هر چه در آن است ، و حق تعالى به واسطه او با ملائكه مباهات مى كند و بر آنان مى فرمايد: شما را گواه گرفتم بر اينكه آمرزيدم او(آن مرد) را (اين هم ثواب مرد).

البته من مى خواهم در اينجا متذكر بشوم كه در اينجا و يا در جاهاى ديگر روايات براى ضبط (حسنه) و محو (سيئه) وارد گرديده بعضى از عوام كم همت ، سؤ استفاده هائى كرده و فكر مى كنند كه مثلا با كار آميزش زياد و يا شهوترانى مفرط خداوند اين همه ثواب و پاداش مى دهد.

ولى آنان بايد كاملا دقت كنند و بدانند كه اين نوع مزد و پاداش ضبط حسنه و يا محو سيئه و يا رفع درجات براى آن است كه كسى به فرمان خدا به قصد پيروى از فرمان خدا عمل كرده باشد آن همه اجر و ثواب دارد، نه به قصد هوسرانى و يا شهوترانى مفرط، پس هر كارى را بايد به قصد پيروى از فرمان خدا كه سعادت در آن است انجام داد، نه به قصد لذت جسمانى و يا از روى هوى و هوس به دستور شيطان .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| كنى هر كار از بهر خدا كن  |  | كه تاگيرى ز او مزد گرانى  |
| ز بهر خود كنى گر جمله كاری  |  | ز شيطان باشد و خود هم همانى  |

## در اسلام تبطل و رهبانيت نيست

دين مقدس اسلام پيروان خود را ترغيب و تشويق بر ازدواج نموده است و آنان را از (تبطل) و(رهبانيت) بر حذر كرده و نهى نموده است به چند روايت در اين مورد خوب توجه كنيد.

از امام جعفر صادق عليه‌السلام منقول است كه آن حضرت فرمود:

«از اخلاق پيغمبران است دوست داشتن زنان و گمان ندارم كسى را كه در ايمان او چيزى زياد شود مگر آنكه محبت زنان در او زياده مى شود، و هر كه محبت زنان او را زياده شود فضيلت ايمانش بيشتر مى شود».(٤٢)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمروايت شده كه آن حضرت فرمود:

«هر كس ازدواج كند نصف دينش را باز يافته و احراز كرده است و درباره نيم ديگر بايد تقوى داشته باشد تا به كمك خداى تبارك و تعالى آن را هم حفظ نمايد»(٤٤)

باز در حديثى آمده است :

زنى خدمت رسول گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمآمد و شكايت كرد كه شوهرم پيش من نمى آيد.

حضرت فرمود: خود را خوشبو كن تا به نزديك تو آيد.

آن زن گفت : هيچ بوى خوشى را نگذاشتم مگر آنكه خود را با آن خوشبو كردم باز هم از من دورى مى كند!

حضرت فرمود: اگر مى دانست چه ثواب دارد در آمدن به نزد تو، از تو دورى نمى كرد.

فرمود:كه چون متوجه جانب تو مى شود دو ملك او را احاطه مى كنند و ثواب آن دارد كه شمشير كشيده در راه خدا جهاد مى كند و ديگر ثوابهائى هم حضرت براى نزديكى او شمرد...»(٤٦)

«بهترين امت من در درجه اول كسانى هستند كه ازدواج كرده و زوج اختيار كرده باشند، و مردان و زنان بى همسر در رتبه آخر قرار دارند».(٤٨)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم:

«رذيل ترين مردگان شما افرادى هستند كه ازدواج نكرده باشند». (٥٠)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم:

«بدترين شما عزبهاى شما هستند و بدانيد كه دو ركعت نماز شخص متاءهل از هفتاد ركعت غير متاءهل بهتر است ».(٥٢)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم:

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمنهى كرد مسلمانان را از ترك دنيا (رهبانيت) و فرمود: رهبانيت در اسلام نيست ، زن بگيريد كه من به فزونى عدد شما بر ملتها و امتهاى ديگر مباهات مى كنم .(٥٤)

از امام صادق عليه‌السلام :

حضرت صادق عليه‌السلام مى فرمايد: روزى زنى به حضور پيامبر گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمرسيد و از آن حضرت سئوال كرد (حق شوهر بر زن چيست ؟) حضرت بيان فرمود.

سپس زن پرسيد: (حق زن بر شوهر چيست ؟)

حضرت فرمود: لباسى به او بدهد كه برهنه نماند، و غذائى به او برساند كه گرسنه نباشد، و موقع خطا از خطاى او بگذرد.

زن گفت : (به خدا سوگند من هرگز شوهر نمى كنم) اين جمله را گفت و حركت كرد.

حضرت دستور بازگشت داد و به او فرمود: خداى عزوجل مى فرمايد: عفت ورزيدن براى زنان از هر چيز ديگر بهتر است (يعنى بايد شوهر كنند تا عفتشان محفوظ بماند).(٥٦)

از امام صادق عليه‌السلام :

«دو ركعت نماز كسى كه ازدواج كرده است بهتر است از اعمال كسى كه شبها نماز مى خواند و روزها روزه مى گيرد ولى (عزب) است ازدواج نمى كند».(٥٨)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: در ضمن حديثى آمده است كه روزى سه زن پيش رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمآمدند (و از شوهرانشان گله كردند)، يكى گفت : يا رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمشوهر من گوشت نمى خورد، ديگرى گفت : شوهر من بوى خوش نمى بويد، سومى گفت : اى پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمشوهر من با زنان نزديكى نمى كند.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمپس از شنيدن سخنان آن سه زن از منزل بيرون آمد در حالى كه از ناراحتى رداى خود را بر زمين مى كشيد به مسجد آمده و در بالاى منبر قرار گرفت و بعد از حمد و ثناى الهى فرمود كه چرا جماعتى از اصحاب من گوشت نمى خورند و بوى خوش نمى بويند و نزديك زنان نمى روند، من گوشت مى خورم ، بوى خوش مى بويم و به نزد زنان مى روم ، و هر كه سنت مرا نخواهد از من نيست .(٦٠)

پس از گفتار فوق معلوم گرديد كه هر مسلمانى بايد به سنت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمعمل كرده و در امر ازدواج كوشا باشد، يعين اگر زن بى شوهر است شوهر نمايد و اگر مرد بى زن است ازدواج كرده و زن اختيار نمايد تا به سنت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمعمل كرده باشد.

## شعرا نيز زنان را هم ترغيب به شوهر كردن نموده اند

اسدى گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| چو نيمه است تنها زن ارچه نكوست  |  | دگر نيمه اش سايه شوى اوست  |
| زنان را بود شوى كردن هنر  |  | بر شوى زن به كه نزد پدر  |
| بود سيب خوشبوى بر شاخ خويش  |  | وليكن به جامه دهد بوى بيش  |
| ‍ زن ار چند با چيز با آبروى  |  | نگيرد دلش خرمى جز به شوى  |

فردوسى گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| جوان كى شكيبد ز جفت جوان  |  | به ويژه كه باشد ز تخم كيان  |
| كه مرد از براى زنان است و زن  |  | فزونتر ز مردش بود خواستن  |

ويس و رامين :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| زنان را نيست چيزى بهتر از شوى  |  | هم اكنون باز گرد و ويس را گوى  |
| خداى ما سرشت ما چنين كرد  |  | كه زن را نيست كامى خوشتر از مرد  |

بنيسى گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| زنان را بگويم كه زيبنده چيست  |  | زن خوب را بهتر از شوى نيست  |
| به آن زن كه خوش خواهد و زندگى  |  | بگويم بر او اين سخن را به ويست  |
| تو خواهى اگر زيست بهتر كنى  |  | برو شوى كن تا كه بهتر بزيست  |

 فرودسى گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| زنى گر جهان شد به فرمان اوى  |  | بر او بر نباشد گرامى شوى  |

ويس و رامين :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| زنان نازك دلند و سست راءيند  |  | به هر خو چون بر آريشان برآيند  |
| زنان گفتار مردان راست دارند  |  | بگفت خوش تن ايشان را سپارند  |
| زن ارچه زيرك و هشيار باشد  |  | زبون مرد خوش گفتار باشد  |
| بلاى زن در آن باشد كه گوئى  |  | تو چون خور روشنى چون مه نكوئى  |
| ز عشقت من نژند و بى قرارم  |  | ز درد دل هميشه زار و وارم  |
| بزارى روز و شب فرياد خوانم  |  | چو ديوانه به دشت و كوه دوانم  |
| اگر رحمت نيارى من بميرم  |  | در آن گيتى تو را دامن بگيرم  |
| ز من مستان ، ز بى مهرى روانم  |  | كه چون تو مردمم چون تو جوانم  |
| زن ارچه خسرو است از شهريارى  |  | و يا چون زاهدان پرهيزكارى  |
| بر آن گفتار شيرين رام گردد  |  | نينديشد كز آن بدنام گردد  |

بنيسى گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| چه زيبا هست زنها هرچه زودتر  |  | به (كفو) خود كنند زود شوهر  |
| ز زهرا ياد گيرند زندگى را  |  | على را بر خودش بگرفت همسر  |

## در تعجيل شوهر دادن دختران

از امام رضا عليه‌السلام :

امام رضا عليه‌السلام فرمود: جبرئيل نازل شد به رسول گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمگفت : يا محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمخدايت هر آينه به تو سلام مى رساند و مى فرمايد:

(دختران) دوشيزگان از زنان به منزله ميوه هستند بالاى درخت ، زمانى كه ميوه بالاى درخت رسيد چاره اى جز چيدن ندارد (بايد آن را چيد) و الا آفتاب آن را فاسد مى كند و باد (خزان) رنگ آن را تغيير مى دهد و از بين مى رود، به تحقيق دوشيزگان شما وقتى كه درك كردند آنچه را كه زنان درك مى كنند (يعنى وقتى كه به سن بلوغ رسيده و حائض شدند) چاره اى ندارند جز شوهر كردن ، و الا از فتنه و آشوب در امان نمى مانند.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمپس از شنيدن اين كلام از پيك وحى (جبرئيل) حركت كرده و به سوى مسجد آمد و جمع كرد مردم را و بر بالاى منبر رفت و اعلام كرد بر مردم آنچه را كه جبرئيل به دستور خداى تبارك و تعالى به آن حضرت رسانيده بود.(٦٢)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم:

«از سعادت مرد آن است كه دخترش در خانه او (در خانه پدر) حالت حيض (قاعدگى) نبيند».(٦٤)

## با چه کسي ازدواج کنيم؟

پس از گفتار فوق معلوم گرديد كه از سعادت مرد آن است كه دخترش را هر چه زودتر بعد از بلوغ به كفوش شوهر دهد، در اسلام هر مرد مؤمن كفو زن مؤ منه و هر زن مؤ منه كفو مرد مؤمن است وقتى كه هر دو از فسق عارى باشند كفو همديگرند.

## ميانجيگرى در ازدواج مستحب است

وساطت و ميانجيگرى در امر ازدواج و تهيه مقدمات آن ، و تحصيل رضايت طرفين در اسلام مستحب است ، از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم:

«هر كس در تزويج كردن زن و مرد مؤمنى بكوشد تا خدا آنها را با يكديگر جمع كند، خداوند (در بهشت) هزار حورى نصيبش مى گرداند، و هر قدمى براى اين كار بردارد و يا هر كلمه اى به عنوان وساطت به زبان آورد خداى عزوجل ثواب يك سال عبادت را به او مى دهد.(٦٦)

از اميرالمؤ منين عليه‌السلام :

بهترين وساطت و ميانجى گرى در اسلام در امر ازدواج است ».(٦٨)

از امام صادق عليه‌السلام : «چهار كس است كه در قيامت مورد نظر و توجه خداى عزوجل قرار مى گيرد، يكى ، آنكه وقتى طرف معامله از معامله اش ‍ پشيمان شد خواست برگرداند، قبول كند، دوم كسى كه غمى از دل غمگينى برگيرد و او را تسلى خاطر بخشد، سوم كسى كه بنده اى را (در راه خدا) آزاد كند، و چهارم آنكه مرد بى زن را زن دهد يعنى وسايل ازدواج آن را فراهم آورد و يا ميانجى گرى كند».(٧٠)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «هر كس تزويج كند بين دو مؤمن را يعنى زن و مرد مؤمنى را به ازدواج يكديگر بياورد، خداى عزوجل هزار حورالعين را به ازدواج او در مى آورد كه هر يكى از آنها در قصرى كه از در و ياقوت ساخته شده باشد، همگى در اختيار او قرار مى گيرد و هر قدمى كه در اين راه بردارد و يا هر كلمه اى كه به عنوان ميانجيگرى بر زبان آورد خداوند ثواب عبادت شبها و روزه روزه دارها را به او مى دهد.

و هر كس عملى انجام دهد كه بين زن و شوهر تفرقه افتد، غضب و لعنت خداوند در دنيا و آخرت نصيب او گردد و بر خدا حق است كه هزار سنگ آتشين بر سر او فرود آورد (اين كار را خداوند در قيامت انجام خواهد داد).

و هر كس در تفرقه و جدائى بين زن و شوهر اقدام نمايد، هر چند كه عمل او به ثمر نرسد و آن دو از هم جدا نشوند، باز هم او در دنيا و آخرت به غضب و لعنت الهى دچار مى شود و ديدار و توجه پروردگار براى هميشه بر او حرام مى گردد».(٧٢)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«من از دنياى شما جز زن و عطر چيز ديگرى دوست ندارم و روشنى چشمم نماز است ».(٧٤)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«هر كس زنش را دوست دارد و اين دوستى را بر او اعلام نمايد و بگويد: من تو را دوست دارم ، اين گفته او هرگز از قلب زنش بيرون نمى رود، (در نتيجه اين كار سبب مى شود كه زنش هم او را دوست داشته و زندگى خوبى داشته باشند».(٧٦)

از امام صادق عليه‌السلام ، آن حضرت فرمود:

«هر چه محبت همسر در قلب بنده زياد باشد فضيلت و ايمانش زيادتر مى شود».(٧٨)

از امام صادق عليه‌السلام ، آن حضرت فرمود:

«هر كس محبتش بر ما زياد باشد، زن و حلوا را هم زياد دوست مى دارد».(٨٠)

به كلامى از امام صادق عليه‌السلام ، (خوب توجه كنيد):

از امام عليه‌السلام سئوال شد چه چيز لذت دارد؟

فرمود: فلان و و و

سئوال شد ديگر چه ؟

فرمود: دوست داشتن و مباضعه زنان .

بالاءخص آن را كه خود گفتى عيان بهترين نعمت عيال پارساست

## زن خوب و شايسته و زن بد و ناشايست

در مقدمه كتاب گفته شد كه مسئله ازدواج و انتخاب همسر از مهمترين مسائل حياتى است و پيوند زناشوئى در زندگى انسانها نقطه عطفى است كه ممكن است صدها پيروزى و كاميابى و يا شكست و ناكامى در پى داشته باشد، لذا بايد هر كسى در انتخاب همسر شايسته كوشش و دورنگرى لازم را به عمل آورد كه تا ضامن خوشبختى و سعادت آينده اش گردد.

بزرگان دين ائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين با بيانات زيبا و شيوا توجه پيروانشان را به اين امر حياتى معطوف داشته در ضمن روايات متعددى نقش همسر خوب شايسته و بد ناشايست را در زندگى انسانها خاطرنشان ساخته و راهنمائيهاى لازم را در اين باره متذكر شده اند:

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«يكى از تقديرهاى الهى براى مرد مسلمان كه حال او را اصلاح مى كند اين است كه زنى قسمت او كند كه هر وقت شوهر او را ببيند شاد و خرسند گردد و در غياب او بر آبرويش را نگهدارد و در حضورش فرمان او را ببرد».(٨٣)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«چهار چيز است كه هر كس از آن بهره دارد از نيكى دو جهان بهره ور است : ١- زبانى كه ياد خدا كند. ٢- قلبى كه سپاس پروردگار گذارد. ٣- تنى كه بر بلا صبور باشد. ٤- زنى كه به ناموس و مال وى خيانت نكند».(٨٥)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

مى خواهيد شما را از زنانى كه اهل بهشتند خبر دهم ؟ زن مهربان و وفادارى كه فرزند زياد به دنيا آورد، و با شوهرش (اگر ناراحتى پيش آمد) زود آشتى كند، و همين كه بدى كرد به شوهرش گويد: اين دست من در دست توست (يعنى من در اختيار توام) چشم بر هم نمى گذارم تا از من راضى شوى .(٨٧)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

بهترين زن آن است كه وقتى شوهرش او را ببيند خوشحال شود و وقتى فرمان دهد اطاعت بر دو تن خويش و مال شوهرش را در غياب او حفظ و محافظت كند.(٨٩)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

ديدن زن خوبرو و سبزه بينايى (چشم) را زياد مى كند.(٩١)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«پنج چيز از مصائب دنياست كه يكى از آنها زن بد و بداخلاق است ».(٩٣)

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«براى نطفه هاى خود محل مناسب انتخاب كنيد و از اشخاص همشاءن خود زن بگيريد و به آنها زن بدهيد».(٩٥)

از امام صادق عليه‌السلام ، آن حضرت فرمود:

«زن به منزله (طوق) قلاده اى است كه در گردن خود مى افكنى ، پس دقت كن كه چگونه قلاده براى خود انتخاب مى كنى و آن حضرت فرمود: زن خوب و صالحه و بد غيرصالحه هيچ يك قيمت ندارند، به اين معنى كه زن خوب و صالحه را با طلا و نقره بخواهى قيمت كنى قابل مقايسه نيست و او از همه جواهرات جهان با ارزش تر است ، ولى زن بد و غير صالحه به مشتى خاك هم نمى ارزد، كه مشتى خاك هزاران بار بهتر از زن بد و ناشايست است ».(٩٧)

الا ان النساء خلقن شتى فمنهن الغنيمة والغرام و منهن الهلال اذا تجلى لصاحبه و منهن الضلام فمن يظفر بصالحتهن يظفر فمن يعثر فليس له انتقام يعنى :

خداوند زنان را گوناگون آفريده است بعضى غنيمت ارزنده و دلربايند بعضى ها چون ماه يك شبه جلوه مى كنند در برابر شوهر، بعضى چون شب تاريكند هركس زنى شايسته به چنگ آرد پيروز گردد هر كس به خطا رود گرفتار شود و چاره ندارد به مصداق شعر:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| زن بد در سراى مرد نيكو  |  | هم در اين عالمست دوزخ او  |
| زينها از قرين بد زينهار  |  | و قنا ربنا عذاب النار  |

از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آن حضرت فرمود:

«بهترين زنان شما زنى است كه بچه آور، و مهربان ، پاكدامن و صالحه باشد و نزد فاميلش عزيز و محترم و در مقابل شوهرش متواضع و فروتن باشد، و براى شوهر خود زينت كند و نسبت به ديگران موفر و بى اعتناء باشد، و حرف شوهرش را بشنود و مطيع امر او باشد و به فرمان او گردن نهد و در خلوت در اختيار وى باشد».(٩٩)

از امام محمد باقر عليه‌السلام ، آن حضرت فرمود:

مردى به حضور پيغمبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، آمد و در كار ازدواج با آن حضرت مشورت كرد، حضرت فرمود: آرى زن بگير ولى زن با ايمان خداشناس ، خدايت خير دهد! زن شايسته مانند غراب (اعصم) كمياب و يا (ناياب) است .

آن مرد پرسيد: غراب اعصم چيست ؟

فرمود: كلاغى كه يك پايش سفيد باشد.(١٠١)

## از ازدواج با اينگونه زنها حذر كنيد

در حديث معتبر از رسول گرامى اسلام محمد بن عبدالله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، نقل شده است كه آن حضرت از زيد بن ثابت پرسيد: آيا ازدواج كرده و زن اختيار نموده اى ؟

زيد بن ثابت جواب داد: نه ، هنوز يا رسول الله .

حضرت فرمود: اى زيد زن بگير تا پاكدامن بمانى ، ولى با پنج (نوع) زن ازدواج نكن .

زيد گفت : آنها كدام زنان هستند يا رسول الله !؟!

فرمود: عبارتند از (شهبرة)، (لهبرة)، (نهبرة)، (هيدرة)، و (لفوت).

زيد عرض كرد: يا رسول الله ، اينها كه فرموديد، من نمى دانم يعنى چه ؟!

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمفرمود: مگر شما عرب نيستيد؟!؟

(شهبرة) به زنى مى گويند كه كبود رنگ و آبى چشم و بدزبان و بى حيا و هر چه به دهنش آيد بگويد.

(لهبرة) به زنى مى گويند بلند قامت و لاغر اندام (كم عقل) باشد.

(نهبرة) به زنى مى گويند كه كوتاه قد و بد قيافه و زشت (سخن) باشد.

(هيدرة) به زنى مى گويند كه پير سالخورده و حيله گر و مكاره باشد.

(لفوت) به زنى مى گويند كه از قبل فرزند يا فرزندانى داشته باشد.

باز هم از نبى گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمنقل شده است كه به زيد بن ثابت فرمود: اى زيد زن بگير كه ازدواج كردن و زن گرفتن مايه بركت و مزيد عفت است ، ولى از ازدواج با دوازده (نوع) زن پرهيز كن .

زيد گفت : آنها را براى من معرفى كن يا رسول الله ؟!

حضرت فرمود:

(هنفصة): زنى كه سليطه باشد.

(عنفصة): زنى كه پر حرف و بدبو باشد.

(شهبرة): زنى كه كبود رنگ و آبى چشم و بدزبان باشد.

(سقلقية): زنى كه از (عقب) از دبرش حيض ببيند.

(مذبوبة): زنى كه كم عقل و يا ديوانه بوده باشد.

(مذمومة): زنى كه ذم شده و نكوهيده باشد.

(حنانة): زنى كه مرتب از شوهر سابقش ياد كند.

(منانة): زنى كه با مال و ثروت خود بر شوهرش منت گذارد.

(رفثاء): زنى كه بد سخن و فحاش و بدگو باشد.

(هيدرة): زنى كه پير فرتوت و حيله گر باشد.

(ذوقناء): زنى كه به عمل جنسى و آميزش بى رغبت باشد.

(لفوت): زنى كه از شوهر قبلى خود فرزند داشته باشد.

باز هم در حديثى از رسول گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمنقل شده است فرمود: آيا خبر ندهم شما را به بدترين زنها، و آن زنى است كه در نزد كسان خود خوار و ذليل و نسبت به شوهر عزيز باشد و عقيم و كينه دار باشد و از كار زشت و قبيح كناره نجويد و در غياب شوهرش زينت كند و در حضور شوهر زينتش را از او بپوشاند و حرف او را نشنود و فرمان او را اطاعت نكند و در خلوت از شوهرش تمكين ننمايد عذر شوهرش را نپذيرفته و اگر خلافى از او صادر شد آن را نقل مجالس كند.

و همچنين آن حضرت فرموده :

بدترين زنان شما زن نازا، كثيف ، لجباز، و نافرمانى است كه در چشم فاميلش حقير و در نظر خود عزيز باشد و نسبت به شوهر خود سركش و نافرمان و با ديگران رام و تسليم و خوش صحبت باشد.

باز از آن حضرت نقل شده است فرمود: از ازدواج با زنان كودن و (بى حيا) بپرهيزيد كه همنشينى آنها بلاء و فرزندشان تباه است .

(يعنى : او با كارهاى خود فرزند را تباه مى كند).

و مكروه است اختيار كردن زن (عقيم) و (احمق) و (ديوانه) و (زن پير) را كه امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد:

«سه چيز انسان را تباه مى كند و بدن او را خراب كرده و گاهى باعث قتل او مى شود:

(١). با شكم سير به حمام رفتن ، (٢). با شكم پر آميزش كردن . (٣). با زن پير ازدواج نمودن ».

حكماى عرب نيز گفته اند كه از پنج زن بايد حذر كرد:

(حنانة)، (منانة)، (انانة)، (كية القفا)، و (خضراء الدمن).

اما حنانة : زنى است كه او را فرزندانى از شوهر قبل بوده باشد و پيوسته از مال شوهر بر آنها مهربانى كند.

اما منانة : زنى است ثروتمند كه با مال خود به شوهرش منت گذارد.

اما انانة : زنى است كه پيش از اين شوهرى داشته و او از شوهر فعليش بهتر بوده و اكنون پيوسته از اين شوهر به شكايت وانين باشد.

اما كية القفا: زنى است كه غير عفيفه باشد كه شوهر او را از هر محفلى كه غايب شود، مردمان به ذكر او داغى بر قفاى آن مرد نهند.

اما خضراءالدمن : زنى است زيبا از اصلى بد، كه او را تشبيه كرده اند به سبزه مزبله .(١٠٣)

## اشعار جالب و لطيف در نصيحت مادر به دختر

مادرى مى گفت :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مادر مى گفت روزى اين سخن با دخترى  |  | اى كه در كاشانه ام همچون فروزان اخترى  |
| من تو را چون جان شيرين دوست دارم دخترم  |  | تو به نزد مادرت ارزنده تر از گوهرى  |
| خواهم اكنون پندها آويزه گوشت كنم  |  | پند مام خويش را جانا به خوارى ننگرى  |
| دخترم نيكى و پاكى را شعار خويش ساز  |  | نيكى و پاكى بود آئين هر پيغمبرى  |
| از بد و نيك آنچه مى كارى همان را بدروى  |  | اين سخن ها را نپندارى عزيزم سرسرى  |
| تا توانى قدر ساعات و دقايق را بدان  |  | كسب دانش كن كه نبود به ز دانش زيورى  |
| چونكه دانشور شدى بايد كه باشى پارسا  |  | پارسائى واجب است از بهر هر دانشورى  |
| از تو مى خواهم كه مورى را نيازارى ز خود  |  | ور خطا ديدى ز ياران از خطاشان بگذرى  |
| با همه اهل جهان مهر و محبت پيشه كن  |  | آنچه نپسندى به خود مپسند آن بر ديگرى  |
| عفت و پرهيزكارى را ز قرآن يادگير  |  | سوى نيكى ها نباشد به ز قرآن رهبرى  |
| دخترم با اين سخنها من تو را آموختم  |  | راه و رسم زندگى آئين كودك پرورى  |
| تا تو هم روزى بياموزى به فرزندان خويش  |  | شيوه يزدان پرستى عشق و مهر مادرى  |

 (اين اشعار را از كتاب گلهاى ارغوان نوشتيم).

## زنان جهان بخوانند و از آن ايمان تعليم گيرند

اصمعى كه يكى از تاريخ نويسان جهان عرب است نوشته هاى خود را به وسيله جهانگردى جمع آورى مى كرد، مى نويسد:

وقتى از بيابانى مى گذشتم سخت تشنه و گرسنه شدم و از آب و غذا عارى بودم تا اينكه چشمم به يك خيمه اى افتاد، خود را به آنجا رسانيده و اجازه ورود خواستم ، زنى بسيار جميله و زيبائى كه در حسن و وجاهت كم نظير بود مرا اجازه ورود به آن خيمه را داد وقتى ديد كه من خيلى تشنه و گرسنه هستم مرا احترام نموده و آب و غذائى برايم تهيه كرد و با ادب تمام آنها را پيش من آورد، و من مشغول خوردن شدم و از حسن زيبائى و ادب و احترام آن زن در تعجب بودم كه ناگاه مردى زشت رو و كريه منظر و بدشكل و سياه رنگ از صحرا رسيده و وارد آن خيمه شد، ديدم كه آن زن زيبا به استقبال او شتافت و بارش را گرفت و عرق از پيشانى او خشك كرد و با آب سرد پاهاى او را تا زانو شستشو داد، و با احترام تمام به خدمتگذارى آن مرد مشغول شد، فهميدم كه آن مرد شوهر آن زن است .

وقتى خواستم از خيمه بيرون آيم و دنبال كار خود بروم ، از خدمات آن زن تشكر كرده و به او گفتم كه من يك مورخ هستم و هرچه ببينم در كتاب خود مى نويسم ، تو بر من بگو چگونه با اين زيبائى و حسن ادب به معاشرت اين مرد (كريه المنظر) راضى شده و با آن زندگى مى كنى !؟

در جوابم گفت : حديثى از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمشنيده ام كه فرموده : ايمان دو نصف است نصفى (صبر) و نصفى (شكر) و من به خاطر اينكه ايمانم كامل شود اين زندگى را با اين مرد به پايان مى برم وقتى به حسن و زيبائى خود نظر مى كنم شكر خداى را به جا مى آورم و وقتى به كريه بودن شوهرم مى نگرم صبر مى نمايم تا آنكه هر دو نصف ايمان من كامل گردد.

اصمعى گويد: من از اين قضيه و از ايمان آن زن تعجب كرده و از خيمه آنها بيرون آمدم .(١٠٥)

## چه خوب است كه همه زنها در اطاعت امر شوهر اين چنين باشند.

نتيجه اين داستان را خوب به خاطر بسپاريد

در زمان حكومت (آل بويه) در كرمان گنجى يافتند كه آن عبارت بود از يك صندوق طلائى و مرصع و تزئين شده از جواهرات گوناگون ، در آن را باز نكرده به حكومت خبر دادند كه همچنين صندوقى پيدا شده ، پادشاه خود به كرمان آمده و سر صندوق مطلا حاضر شد و دستور داد كليد آورده و در صندوق را باز كرده و حقه اى در آن صندوق ديدند كه در توى آن حقه دو عدد (جو) خيلى بزرگ وجود داشت وقتى آنها را وزن كردند هر يكى از آن جوها چند مثقال وزن داشت .

پادشاه خيلى از اين كار متعجب شد كه يعنى چه ؟! در يك صندوق مطلا كه قيمت آن بيش از حد و حصى است و دو جو بزرگ در درون آن به اين بزرگى براى چيست ؟!؟ و دستور داد كه منطقه و يا شهر را بگردند پيرى را كه پيرتر از او كسى نباشد پيدا كنند و بياورند تا پادشاه ماجراى اين صندوق و آن دو جو بزرگ را از او بپرسد.

ماءموران پادشاه همه جا را گشتند و پيرى را كه پشتش (كوش) از فرتوتى چون دال خميده شده بود و سر بر زمين نهاده بود پيدا كرده و پيش پادشاه آوردند.

پادشاه از آن پيرمرد فرتوت پرسيد: آيا از ماجراى صندوق و جوهائى كه پيدا شده است اطلاعاتى دارد؟!؟

پير جواب داد: (نه) من چيزى در اين باره نمى دانم ولى پدرم كه سنش از من بزرگتر است شايد او بداند.

پادشاه گفت : آيا تو با اين سن و سال و شكستگى پدرت زنده است ؟!؟

پيرمرد جواب داد: آرى به فلان محله برويد و در فلان خانه مرد (كهلى) نيمه سنى را خواهيد يافت كه او پدر من است !

پادشاه ماءمورانش را دنبال او فرستاد و آنها به محله ياد شده رفته و آن مرد (كهل) را مشاهده كردند كه سنش از پنجاه بيشتر به نظر نمى رسيد او را پيش ‍ پادشاه آوردند.

پادشاه از ديدن او كه آيا حقيقتا پدر آن مرد است تعجب كرده و از او پرسيد: آيا آن مرد پير شكسته فرزند توست ؟!؟

جواب داد: بلى او پسر من است !

پادشاه ماجراى صندوق و جوها را از او پرسيد. او در جواب گفت : من هم چيزى درباره آنها نمى دانم ، ولى پدرم كه سنش از من بزرگتر است شايد او بداند!

پادشاه و اطرفيان او همه تعجب كرده و گفتند: مگر پدر تو زنده است ؟!؟

او جواب داد: بلى ، او در فلان محله است به سراغش برويد و او را كه مثل يك جوان سى ساله است خواهيد يافت و او پدر من و جد پسر من است !

پادشاه ماءمورانش را به سراغ او فرستاد و او را حاضر كردند، پادشاه ديد كه او جوانى است شاداب و هنوز موهايش سفيد نشده و طراوت از سر و صورتش فرو مى ريزد.

پادشاه از ديدن اين (پدر و پسر و نوه) خيلى تعجب كرد و قبل از اينكه از ماجراى صندوق و آن دو حبه جو (بزرگ) سئوال كند از ماجراى خود اينها سئوال كرد كه چگونه پدر بزرگ آن چنان جوان و شاداب مانده و پسرش ‍ چون نيمه سن ها (كهل) هست و نوه او پيرفرتوت و شكسته شده است !

اين سئوال را از آن مرد جوان كه از آنها بزرگتر بود كرد، آن مرد جوان گفت :

پادشاها، داستان ما منوط به زنان ماست ، من زنى دارم ، نجيبه و عفيفه و صالحه ، هيچگاه حاضر نمى شود من رنجيده خاطر شوم و لحظه اى محزون گردم ، او هميشه در اطاعت من است اگر هزار كارش فرمايم ، او اطاعت كرده و هرگز روى ترش نمى كند و اگر ناراحت شوم سعى بليغ مى كند كه هر چه زودتر ناراحتى مرا مبدل به راحتى و سرور كند و او هميشه قلب مرا شاد مى گرداند، اين است كه چنين شاداب و جوان و باطراوت و سرحال مانده ام !

اما پسر من كه مى بينيد (كهل) و نيمه سن است او زنى دارد كه گاهى او را شاد و مسرور مى سازد و گاهى او را محزون و غمگين مى كند، گاهى به حرف او گوش مى كند و گاهى از اطاعت او سرپيچى مى كند، اين است كه او كهل و نيمه پير شده است .

اما پسر پسرم كه مى بينيد كه بيش از حد پير فرتوت و شكسته و فرسوده شده است و كمر او چون دال منحنى گشته ، او را زنى است سليطه و بداخلاق كه هيچگاه با او نمى سازد و فرمان او را اطاعت نمى كند و پيوسته او را آزار و اذيت مى نمايد و قلب او را هميشه غمگين و محزون مى سازد، به اين سبب است او اين چنين پير و شكسته و قد خميده شده است .

پادشاه از شنيدن ماجراى آنها خيلى تعجب كرده و دستور داد كه اين ماجرا را بنويسند و در گنجينه اى نگهدارند، سپس از جريان آن صندوق و جوها سئوال كرد، كه آيا او خبرى از آنها دارد!؟

او در جواب داد: بلى ، در فلان روزگار پادشاهى عادل بود و در زمان او شخصى زمينى را به شخص ديگرى فروخت و پولش را دريافت كرد، مشترى بعد از اينكه پول را پرداخت در آن زمين مشغول كشاورزى شد كه در ضمن كار ناگاه گنجى را دريافت كه در زير زمين مستور بود، فورا پيش ‍ فروشنده آمد و گفت :

من از تو زمين خريدم نه گنج ، بيا آن را تحويل بگير.

فروشنده گفت : من زمين را همانطور به تو فروختم حالا كه گنجى پيدا شده از آن توست ، نه از آن من كه آن را باز ستانم .

بگو مگو در بين فروشنده و خريدار بالا گرفت تا اينكه داورى پيش پادشاه بردند.

مشترى گفت : من زمين خريده ام ، گنج نخريده ام ، به فروشنده بگو گنج را از من باز ستاند.

فروشنده گفت : من زمين و هرچه در اوست فروختم آن از آن من نيست كه آن را از او بستانم .

پادشاه چون صفاى هر دو تا را ديد و داورى كرد و گفت : دختر يكى از شما را به زوجيت پسر آن ديگرى درآوريد و در بين آنان الگوى ازدواج و همسرى ببنديد و زمين و گنج را هر دو به هر دوى آنها بدهيد، كه گنج از آن فروشنده باشد و يا از آن خريدار، از ميان هر دو بدر نرود و فرزندان آنها صاحب آن گردند.

آنان چنين كردند، و سپس آن سال آن زمين را جو كاشتند و جوهاى آن زمين به اين بزرگى در آمد و از آن جوها به تمام شهرها فرستاده شد كه همه بدانند كه سزاى نيكى و خوبى و عدل هرگز از بين نمى رود و اين صندوق را هم از همان گنج درست كرده و دو تا از آن جوها را براى عبرت آيندگان در اين محل دفن نمودند، خداوند اجر و پاداش هيچ نيكى كننده را از بين نمى برد.

« ان الله لا يضيع اجر المحسنين ».

اسدالله داستانى بنيسى

قم صندوق پستى ٣٣٣

۱- گفتار فلسفى از كتاب ما و فرزندان ما.

۲- سوره ذاريات ، ۴۹.

۳- سوره يس ، ۳۶.

۴- سوره روم ، ۲۱.

۵- سوره نور، ۳۳.

۶- محجة البيضاء.

۷- بحار الانوار.

۸- كنزالعمال .

۹- وسائل الشيعه .

۱۰- وسائل الشيعه .

۱۱- كتاب الخصال .

۱۲- بحارالانوار.

۱۳- محجة البيضاء.

۱۴- بحارالانوار.

۱۵- بحارالانوار.

۱۶- وسائل الشيعه .

۱۷- وسائل الشيعه .

۱۸- بحارالانوار.

۱۹- نهج الفصاحة .

۲۰- وسائل الشيعه .

۲۱- وسائل الشيعه .

۲۲- محجة البيضاء.

۲۳- وسائل الشيعه .

۲۴- وسائل الشيعه .

۲۵- وسائل الشيعه .

۲۶- وسائل الشيعه .

۲۷- بحار الانوار.

۲۸- سوره رعد، ۲۶.

۲۹- سوره نحل ، ۷۱.

۳۰- سوره نور، ۳۳.

۳۱- وسائل الشيعه .

۳۲- وسائل الشيعه .

۳۳- وسائل الشيعه .

۳۴- وسائل الشيعه .

۳۵- فروع كافى .

۳۶- فروع كافى .

۳۷- وسائل الشيعه .

۳۸- وسائل الشيعه .

۳۹- وسائل الشيعه .

۴۰- وسائل الشيعه .

۴۱- حلية المتقين .

۴۲- حلية المتقين .

۴۳- ازدواج در اسلام .

۴۴- ازدواج در اسلام .

۴۵- حلية المتقين .

۴۶- حلية المتقين .

۴۷- مستدرك الوسائل .

۴۸- بحار الانوار.

۴۹- بحار الانوار.

۵۰- كنز العمال .

۵۱- كنزالعمال .

۵۲- بحارالانوار.

۵۳- وسائل الشيعه .

۵۴- ازدواج در اسلام .

۵۵- ازدواج در اسلام .

۵۶- بحارالانوار.

۵۷- بحارالانوار.

۵۸- ازدواج در اسلام .

۵۹- حلية المتقين .

۶۰- حلية المتقين .

۶۱- ميزان الحكمة - وسائل الشيعه - فروع كافى .

۶۲- ابواب مقدمات نكاح وسائل الشيعه .

۶۳- وسائل الشيعه .

۶۴- وسائل الشيعه .

۶۵- وسائل الشيعه كتاب النكاح .

۶۶- وسائل الشيعه كتاب النكاح .

۶۷- وسائل الشيعه كتاب النكاح .

۶۸- ازدواج در اسلام از كتاب الغيبه .

۶۹- وسائل الشيعه كتاب النكاح .

۷۰- وسائل الشيعه كتاب النكاح .

۷۱- وسائل الشيعه كتاب النكاح . ص ۲۷.

۷۲- فروع كافى .

۷۳- فروع كافى .

۷۴- فروع كافى .

۷۵- وسائل الشيعه .

۷۶- فروع كافى .

۷۷- وسائل الشيعه .

۷۸- الفقيه .

۷۹- وسائل الشيعه .

۸۰- فروع كافى .

۸۱- وسائل الشيعه .

۸۲- وسائل الشيعه .

۸۳- نهج الفصاحه .

۸۴- وسائل الشيعه .

۸۵- وسائل الشيعه .

۸۶- وسائل الشيعه .

۸۷- وسائل الشيعه .

۸۸- وسائل الشيعه .

۸۹- نهج الفصاحة .

۹۰- وسائل الشيعه .

۹۱- وسائل الشيعه .

۹۲- وسائل الشيعه .

۹۳- وسائل الشيعه .

۹۴- وسائل الشيعه .

۹۵- وسائل الشيعه .

۹۶- بحارالانوار - مستدرك .

۹۷- نقل از ازدواج در اسلام .

۹۸- وسائل الشيعه .

۹۹- وسائل الشيعه .

۱۰۰- ازدواج در اسلام .

۱۰۱- ازدواج در اسلام .

۱۰۲- نقل از كتاب رياض الاءنس .

۱۰۳- مؤ لف .

۱۰۴- نقل از كتاب گلهاى ارغوان .

۱۰۵- نقل از كتاب رياض الاءنس

فهرست کتاب

[مسئله ازداوج و انتخاب همسر 2](#_Toc453974473)

[با چه کسي ازدواج کنيم؟ 6](#_Toc453974474)

[در اسلام تبطل و رهبانيت نيست 11](#_Toc453974475)

[شعرا نيز زنان را هم ترغيب به شوهر كردن نموده اند 14](#_Toc453974476)

[در تعجيل شوهر دادن دختران 16](#_Toc453974477)

[با چه کسي ازدواج کنيم؟ 17](#_Toc453974478)

[ميانجيگرى در ازدواج مستحب است 18](#_Toc453974479)

[زن خوب و شايسته و زن بد و ناشايست 21](#_Toc453974480)

[از ازدواج با اينگونه زنها حذر كنيد 24](#_Toc453974481)

[اشعار جالب و لطيف در نصيحت مادر به دختر 28](#_Toc453974482)

[زنان جهان بخوانند و از آن ايمان تعليم گيرند 29](#_Toc453974483)

[چه خوب است كه همه زنها در اطاعت امر شوهر اين چنين باشند. 31](#_Toc453974484)

[فهرست کتاب 40](#_Toc453974485)